

## بررسی وحدت ضحی و انشراح، و فیل و قریش

سید محمود دشتی

عضو هیئت علمی دانشکده اصول دین قم

### چکیده

از دیرباز دربارهٔ این که آیا سوره‌های ضحی و انشراح و یا فیل و قریش یک سوره را تشکیل می‌دهند یا سوره‌های مستقلی هستند، اختلاف نظر وجود داشته است. در این مقاله ضمن بررسی روایات و دیدگاه‌های فقها و مفسران سعی می‌شود، به این سؤال پاسخ داده شود. حاصل بحث این است که ادلهٔ پیشینیان وحدت آن سوره‌ها را ثابت نمی‌کند و آنها بر بیش از این دلالت ندارند که رواست، سوره‌های ضحی و انشراح و یا سوره‌های فیل و قریش را در یک رکعت از نماز قرائت کرد.

کلیدواژه‌ها: وحدت و استقلال سوره‌ها، سوره‌ها، ضحی، انشراح، فیل، قریش.

### ۱. مقدمه

یکی از احکام مشهور میان فقهای شیعه در باب نماز این است که هر نمازگذاری در نمازهای واجب یومیه خود باید یک سورهٔ کامل قرائت کند.

منشأ این حکم روایاتی منقول از ائمه (ع) است. در روایتی آمده است که امام صادق (ع) فرمود: «در نماز واجب (بعد از حمد) نباید کمتر یا بیشتر از یک سوره قرائت شود» (کلینی، ج ۳، ص ۳۱۴، حر عاملی، ج ۹، ص ۴۳)

از میان فقهای معاصر عده‌ای قرائت یک سوره کامل را واجب می‌دانند و کمتر از آن را جایز نمی‌دانند و عده‌ای بنابر احتیاط قرائت یک سوره کامل را واجب می‌خوانند و

بالاخره برخی قرائت یک سوره کامل را نه واجب، بلکه مستحب مؤکد می‌شمارند(رک):  
بنی‌هاشمی خمینی، ج ۱، ص ۵۶۵).

در این میان بعضی از فقها به دلایلی که بعد نقل خواهیم کرد، بر آن‌اند که دو سوره  
الضحی و الم‌نشرح حکم یک سوره دارند؛ هم‌چنین دو سوره فیل و لایلاف نیز یک  
سوره‌اند؛ بنابراین اگر کسی در نماز فریضه سوره‌الضحی یا فیل را قرائت کرد، لازم  
است، سوره دوم آنها - یعنی الم‌نشرح و لایلاف - را نیز قرائت کند(رک. همان). در این باره  
سید محمد کاظم یزدی می‌نویسد:

نظر قوی‌تر آن است که سوره فیل و لایلاف، هم‌چنین سوره ضحی و الم‌نشرح  
متحدند و حکم یک سوره دارند؛ بنابراین باید در نماز این دو سوره را به همین  
ترتیبی که در قرآن است، با هم قرائت کرد؛ هم‌چنین بسم‌الله اول سوره دوم نیز  
باید قرائت شود(عروة‌الوئقی، ج ۱، ص ۶۴۶، مسئله ۹).

آیه‌الله‌خویی نیز بر همین نظر است(منهاج‌الصالحین، ج ۱، ص ۱۶۴، مسئله ۶۰۵).  
هم‌چنین شیخ حر عاملی بابی به احادیثی که بر آن مضامین دلالت دارد، باز کرده  
است(وسایل‌الشیعه، ج ۹، ص ۴۳).

ناگفته نماند، اعتقاد به وحدت سوره‌های مذکور به صدر اسلام می‌رسد و آن را از  
صحابه و تابعان نیز نقل کرده‌اند که تفصیل این مطالب در ادامه می‌آید.

## ۲. بررسی پیوند ادبی - معنایی میان دو سوره‌الضحی و الم‌نشرح

میان دو سوره‌الضحی و الم‌نشرح هیچ‌گونه ارتباط لفظی و ادبی دیده نمی‌شود. البته  
هیچ‌یک از مفسران نیز در صدد بر نیامده‌اند که میان آن دو سوره از نظر ادبی ارتباطی  
برقرار سازند؛ منتها فخر رازی آغاز سوره‌المنشرح را به منزله عطف بر آیه پایانی سوره  
الضحی دانسته است. ارتباط معنایی میان این دو سوره کاملاً برقرار است و سیاق هر دو  
سوره در مقام امتنان بر رسول‌گرامی اسلام(ص) و بیان نعمت‌های خداوند به ایشان  
است. همین امر سبب شده است تا عده‌ای از مفسران پیوند و رابطه‌ای عمیق و محکم  
میان این دو سوره را نشان دهند.

توضیح آن که در سوره‌الضحی، خداوند برخی نعمت‌های خود را به پیامبرش  
یادآور شده است. از جمله این که پیامبر(ص) را که در خردسالی یتیم بود، پناه داد و او را  
که ضال بود، هدایت کرد و چون به فقر مبتلا بود، او را توانگر کرد و در آخر از رسول

خود می‌خواهد، این نعمت‌های الهی را یاد آور شود و بازگو کند و شکر گزارد؛ سپس در سوره الم‌نشر که از نظر ترتیب نزول پس از سوره‌الضحی نازل شده است، اعطای دسته‌ای دیگر از نعمت‌های الهی بر پیامبر (ص) بازگو شده است. آن نعمت‌ها عبارت‌اند از: شرح صدری که خدا به رسول داده است و دوش او را از بارهای گران مسئولیت و تکلیف که پشت حضرت را می‌شکست، سبک ساخت و آوازه رسول خود را بلند گرداند و او را شهره آفاق کرد (ابو الفتوح رازی، ج ۲۰، ص ۳۰۶ - ۳۲۶).

### ۳. پیوند ادبی - معنایی میان سوره‌فیل و لایلاف

بر خلاف دو سوره ضحی و انشراح که ارتباط میان آنها صرفاً یک ارتباط معنایی است، میان دو سوره‌فیل و لایلاف افزون بر پیوند و ارتباط معنایی، می‌توان نوعی رابطه لفظی و ادبی را نیز سراغ گرفت.

توضیح آن که سوره لایلاف قریش با حرف لام و به عبارت فنی‌تر با جار و مجرور شروع شده است. از نظر علم نحو و اعراب، جار و مجرور متعلق می‌خواهد؛ زیرا به عامل خود وابسته است. حال سؤال این است که عامل لایلاف و به اصطلاح متعلق آن کدام است؟

صاحبان تفسیر و ادب درباره متعلق و عامل لایلاف نظرهایی داده‌اند که بنابر یکی از آنها لایلاف به آیه آخر سوره‌فیل متعلق است. ابن‌الانباری آن نظرها را این‌چنین گزارش کرده است:

یک نظریه آن است که لایلاف به فعل جَعَلَ موجود در آخرین آیه سوره‌فیل متعلق است (فَجَعَلَهُمْ كَعَضِفٍ مَأْكُولٍ. لَإِيْلَافٍ قُرَيْشٍ)؛ بنابر این نظریه، معنای آیه چنین می‌شود: خدای تعالی اصحاب فیل را مانند برگ خورده شده و جویده شده گرداند تا اُنس و اُلفت میان قریش ایجاد کند. به عبارت دیگر مراد این است که هلاک کردن اصحاب فیل سبب اُنس و اُلفت میان قریش شد.

نظریه دیگر بر آن است که عامل لایلاف فعلی مقدّر و فرضی مانند «اعجبوا یا اُلفت» است؛ بنابر این فرض، تقدیر آیه چنین است: «اعجبوا لایلاف قریش» یعنی از اُنس و اُلفت میان قریش تعجب کنید و شگفت زده باشید و یا تقدیر جمله چنین است: «اُلفت الله قریشاً ایلافاً» یعنی خدای تعالی میان قریش الفتی ایجاد کرد.

نظریه سوم که از خلیل نقل شده است، عامل لایلاف را فعل فلیعبدوا می‌داند که در

ادامه همین سوره آمده است: لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ إِيْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ؛ بنابر این، معنای آیه شریفه چنین است: قریش باید پروردگار این خانه را عبادت کنند؛ زیرا که او میان آنها اُنس و اُلُفّت ایجاد کرد. در حقیقت لام لِإِيلَافِ علت امر به عبادت را بیان می‌کند (ابن الانباری، ج ۲، ص ۵۳۷ و رک: قرطبی، ج ۲۰، ص ۱۳۸).

نتیجه آن که بر طبق نظر اولی که ابن الانباری گزارش کرده است، میان دو سوره فیل و لِإِيلَافِ پیوند ادبی محکمی وجود دارد و می‌تواند دلیل موجهی باشد برای همه کسانی که به اتحاد میان آن دو سوره معتقدند.

اما کسانی هم این نظریه اول را به نقد کشیده‌اند و آن را بعید شمرده‌اند که مکی بزایب طالب از آن جمله است. او در این باره گفته است:

از نظر اخفش لام در لِإِيلَافِ به آیه آخر سوره فیل متعلق است؛ اما این نظر بعید است؛ زیرا همه دانشمندان علوم قرآن و قرائت بر آنند که جایز است بر آیه آخر سوره فیل وقف کرد. در حالی که اگر لام به این آیه متعلق بود، نباید وقف بر ماکول صحیح و جایز باشد (مکی بزایب طالب، ج ۲، ص ۸۴۵).

اما پیوند معنایی میان دو سوره فیل و قریش قابل انکار نیست. قرطبی به نقل از فزّار درباره رابطه ناگستنی معنایی میان این دو سوره چنین گفته است:

سوره قریش به سوره فیل متصل است؛ زیرا خدای تعالی در سوره فیل، به آنها نعمت بزرگ خود را بر قریش یادآوری کرده است و آن، به هلاکت رساندن سپاه حبشه و اصحاب فیل بوده است. سپس در سوره ایلاف فرمود: آن نعمت بزرگ ما به قریش مقدمه‌ای برای اعطای نعم بزرگ دیگری بود که در پی نعمت اول به قریش عطا کردیم؛ تا بدین طریق نعمت خود را نسبت به آنها کامل کرده باشیم و آنان بتوانند بدون هیچ ترسی به تجارت پردازند (قرطبی، ج ۲۰، ص ۱۳۷).

#### ۴. نظر مفسران شیعه درباره اتحاد این دو سوره

مفسران شیعه در این باب گرایش‌های مختلفی دارند: برخی مانند شبّر در الجواهرالشمین و یا سبزواری در تفسیر الجدید و یا بحرانی در تفسیر البرهان در این باره سخنی در نفی یا اثبات نرانده‌اند و برخی مانند علامه طباطبایی به شدت اتحاد هر یک از آن دو سوره را انکار کرده‌اند؛ اما گرایش غالب و مشهور مفسران شیعه در جهت بیان و یا اثبات وحدت

این دو سوره بوده است که برخی از آنان عبارت اند از: ملافتح الله کاشانی (ج ۱۰، ص ۳۵۵)، ابوالفتح رازی (ج ۲، ص ۳۲۱ و ۴۱۶ - ۴۱۷)، شیخ طوسی (التبیان، ج ۱۰، ص ۳۷۱ و ص ۴۱۲ و ۴۱۳)، شیخ طبرسی (ج ۱۰، ص ۷۶۹)، محمدجواد مغنیه (ج ۷، ص ۵۸۰ - ۵۸۱ و ص ۶۱۲)، آیه الله صادقی (ج ۳۰، ص ۳۵۵).

در تفسیر نمونه ذیل سوره انشراح نیز چنین می خوانیم:

معروف این است که این سوره بعد از سوره الضحی نازل شده است و محتوای آن نیز همین مطلب را تایید می کند؛ چرا که در این سوره باز قسمتی از مواهب الهی بر پیغمبر اکرم (ص) برشمرده شده است. در واقع سه نوع موهبت بزرگ در سوره الضحی آمده بود و سه موهبت بزرگ در الم نشرح است. مواهب گذشته بعضی مادی و بعضی معنوی بودند؛ اما مواهب سه گانه این سوره همه جنبه معنوی دارند و عمدتاً این سوره بر سه محور دور می زند: یکی بیان همین نعمت های سه گانه و دیگر بشارت به پیامبر (ص) از نظر برطرف شدن مشکلات دعوت او در آینده و دیگر توجه به خداوند یگانه و تحریض و ترغیب به عبادت و نیایش، و به همین دلیل در روایات اهل بیت (ع) این دو به منزله یک سوره شمرده شده است و لذا در قرائت نماز برای این که یک سوره کامل خوانده شود، هر دو را با هم می خوانند (ج ۲۷، ص ۱۱۸).

در همین تفسیر ذیل سوره ایلاف چنین آمده است:

این سوره در حقیقت مکمل سوره فیل محسوب می شود و آیات آن دلیل روشنی بر این مطلب است. همان گونه که در آغاز سوره الضحی گفتیم، آن سوره و سوره الم نشرح در حقیقت یک سوره محسوب می شود؛ هم چنین سوره فیل و سوره قریش؛ چرا که اگر درست در محتوای آن دو دقت کنیم، پیوند مطالب آن ها به قدری است که می تواند دلیل وحدت آن دو بوده باشد؛ به همین دلیل برای خواندن یک سوره کامل در هر رکعت از نماز اگر کسی سوره های فوق را انتخاب کند باید هر دو را با هم بخواند (همان، ص ۳۴۶).

از مجموع سخنان مفسران که سخن از آن ها نقل شد، چند نکته به دست می آید:

الف. قدیمی ترین تفسیری که می تواند منبع دیگر تفاسیر باشد، تفسیر تبیان شیخ طوسی (م ۴۶۰) است که در باره وحدت سوره های مذکور اظهار نظر کرده است. البته چنان که از نقل طبرسی در مجمع البیان بر می آید، پیش از شیخ، عیاشی (م ۳۲۰) در

تفسیرش روایاتی را در این زمینه نقل کرده است که اکنون این بخش از تفسیر عیاشی موجود نیست و تقریباً منابع بعدی سخن تازه‌ای افزون بر آن ندارند، جز یک نکته که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

ب. شیخ به علما و محدثان شیعه نسبت می‌دهد که واحد بودن این سوره‌ها را نقل کرده‌اند.

ج. شیخ در تفسیر خود هیچ روایتی را در این زمینه نقل نمی‌کند؛ اما در تهذیب و همچنین استبصار تنها یک روایت را نقل می‌کند که بر پایه آن امام صادق(ع) در یک رکعت از نماز صبح دو سوره *الضحی* و *الم نشرح* را قرائت کردند. البته این روایت معارض هم دارد. طبرسی پنج روایتی را از عیاشی و ایشان از امام صادق(ع) یا امام باقر(ع) مبنی بر اتحاد دو سوره *فیل* و *لایلاف* نقل کرده است که در ادامه می‌آید.

د. مفسران پیشین چون شیخ طوسی، شیخ طبرسی، ابوالفتوح رازی و فقهای مانند محقق حلی در کتاب *شرایع* بر آن‌اند که با جمع هریک از این دو سوره، بسم الله از آغاز سوره دوم ساقط می‌شود و نباید قرائت شود (ملکی، ج ۳۰، ص ۶۷۳ - ۶۷۴)؛ اما مفسران و فقهای متأخر بر آن‌اند که بسم الله میان دو سوره باید قرائت شود و حذف آن جایز نیست. این نظر، نخستین بار در تفسیر *ملافتح الله کاشانی* یعنی *منهج الصادقین* و سپس در تفاسیر و کتب فقهی دیگر ملاحظه شد؛ بنابر این یک اختلاف نظر جدی در شکل جمع میان هریک از این دو سوره میان مفسران و فقیهان متقدم - پیش از *ملافتح الله کاشانی* - و مفسران و فقیهان متأخر و معاصر به چشم می‌خورد.

#### ۵. بررسی روایات صحابه و تابعان در باره وحدت این سوره‌ها

از دیرباز در میان اهل سنت کسانی به این اتحاد و یگانگی قائل بوده‌اند که در ذیل به نقل آن می‌پردازیم.

از عمروبن میمون آورده‌اند که گفته است نماز مغرب را به عمر بن خطاب اقتدا کردم و او در رکعت اول سوره *التین* و *الزیتون* و در رکعت دوم دو سوره *الم تر کیف* و *لایلاف* قریش را قرائت کرد. نیز روایت شده است که ابی‌بن کعب در مصحف خودش این دو سوره را با بسم الله الرحمن الرحیم از یکدیگر جدا نکرده بود (طبرسی، ج ۱۰، ص ۸۲۷ و طبرسی، ج ۲۰، ص ۱۳۰).

همین‌طور از طاووس و عمر بن عبدالعزیز روایت کرده‌اند که آنان سوره *انشراح* و سوره

والضحی را یک سوره محسوب می‌کردند و در نماز خود هر دو سوره را در یک رکعت می‌خواندند و بین آن دو سوره بسم الله الرحمن الرحیم نمی‌گفتند. به نظر می‌رسد، آنچه باعث شده است که آن دو نفر این دو سوره را یکی بپندارند، این بوده است که آیه الم‌نشرح در آغاز سوره انشراح به منزله عطف بر آیه الم‌یجدک یتیماً قآوی در پایان سوره والضحی است (فخر رازی، ج ۳۲، ص ۳).

نیز از سفیان بن عیینه نقل کرده‌اند که گفت: «برای ما امامی بود که دو سوره والضحی و الم‌نشرح را از هم جدا نمی‌کرد و هر دو را با هم در نماز قرائت می‌کرد» (قرطبی، ج ۲۰، ص ۱۳۰).

به این ترتیب روشن می‌شود که عده‌ای از مفسران و فقهای شیعه و اهل سنت به اتحاد این چهار سوره به صورت دو به دو معتقد بوده‌اند و دلیل آنها بر این وحدت علاوه بر برخی روایات، نزدیک بودن مضمون هریک از این دو سوره‌ها به یکدیگر بوده است.

#### ۶. بررسی مستندات روایی شیعه درباره وحدت سوره‌های مذکور

طبرسی در مجمع‌البیان دو روایت از عیاشی مبنی بر وحدت دو سوره والضحی و الم‌نشرح و نیز دو سوره فیل و لایلاف نقل کرده است. در روایت اول، عیاشی با سند خود از مفضل بن صالح و او از امام صادق (ع) نقل می‌کند که امام فرمود:

لا تجمیع سورتین فی رکعة واحدة الا الضحی و الم‌نشرح و الم‌ترکیف و لایلاف قریش؛ در هیچ رکعتی از نماز (بعد از حمد) دو سوره خوانده نمی‌شود، مگر آن که آن دو سوره، سوره والضحی و الم‌نشرح و یا سوره فیل و لایلاف قریش باشد (طبرسی، ج ۱۰، ص ۸۲۷؛ نیز: فیض، ج ۵، ص ۳۴۵).

روایت دوم را نیز عیاشی با سند خودش از ابی‌العبّاس و او از یکی از دو امام صادق (ع) یا امام باقر (ع) نقل کرده است که حضرت فرمود: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ وَ لَإِيْلَافٍ قُرَيْشٍ يَكُ سَوْرَةً» (همان)؛ اما هر دو روایت عیاشی مرسل است.

شیخ الطایفه در استبصار از حسین بن سعید از فضاله از علا از زید شحام نیز آورده است که گفت: «صلی بنا ابو عبدالله (ع) الفجر قرأ الضحی و الم‌نشرح فی رکعة» (ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۱۱۸۲). این روایت شیخ هم مسند است و هم این که از نظر شیخ سند آن تمام و صحیح است؛ اما با دو روایت دیگر که از همین راوی یعنی زید شحام نقل شده است، تعارض و تنافی دارد؛ از این رو شیخ ضمن نقل آن دو روایت، در مقام جمع بین این سه

حبر و رفع تعارض ظاهری آنها از ظاهر دو روایت بعد رفع ید کرده و آن دو را تأویل برده است. شیخ می‌فرماید:

این که روایاتی که بر کراهت داشتن قرائت دو سوره بعد از حمد دلالت دارد، با روایت مذکور منافاتی ندارد؛ برای آن که این دو سوره (ضحی و انشراح) نزد آل محمد (ع) یک سوره‌اند و شایسته است که در یک رکعت با هم قرائت شوند و در نمازهای واجب بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم میان آنها فاصله نشود (همان، ح ۱۱۸۳).

سپس دو روایت معارض را این چنین می‌آورد:

الف. احمد بن محمد عن الحسين عن فضاله عن الحسين عن ابن مسكان عن زيد الشحام قال: صلى بنا ابو عبدالله (ع) فقرأ بنا بالضحى و الم نشرح.

ب. احمد بن محمد عن ابن ابی عمیر عن بعض اصحابنا عن زيد الشحام قال صلى بنا ابو عبدالله (ع) فقرأ فی الاولى والضحی و فی الثانية الم نشرح (همان).

آنگاه در مقام جمع بین این دو روایت و روایت اول می‌گوید:

این خبر با خبر اول تنافی ندارد؛ زیرا در این روایت روشن نشده است که آیا حضرت صادق (ع) آن دو سوره را در یک رکعت قرائت فرمود و یا در دو رکعت. حال نظر به این که همین راوی در روایت دیگری که از او نقل شده، به طور مشخص گفته است که حضرت آن دو سوره را در یک رکعت خوانده است، ما این روایت را که به صورت مطلق آمده است، بر روایت اول حمل می‌کنیم و می‌گوییم: مراد این روایت نیز آن است که حضرت این دو سوره را در یک رکعت خواندند (همان).

شیخ درباره روایت دوم نیز می‌نویسد:

هر چند این روایت دلالت دارد بر این که حضرت صادق (ع) آن دو سوره را در دو رکعت خوانده است، ولی روایت ساکت است از این که حضرت آن را در نماز واجب قرائت کردند و یا در نماز نافله؛ از این رو در مقام جمع میان این روایت با روایت اول می‌گوییم: احتمالاً حضرت این دو سوره را در نماز نافله، در دو رکعت خوانده است؛ بنابراین، در نماز نافله جایز است، هر یک از این دو سوره را در یک رکعت خواند و لازم نیست هر دو سوره در یک رکعت خوانده شود.

هم چنان که مشاهده می‌شود، در هر سه روایتی که محدثان شیعه درباره دو سوره ضحی و انشراح آورده‌اند، راوی اول زید شحام است و ظاهراً در روایت او یک واقعه به



گونه‌های مختلفی نقل شده است؛ اما مشاهده می‌کنیم که شیخ از میان آن سه روایت، روایت اول را اصل قرار داده و دو روایت بعد را به آن بازگردانده و مطابق روایت اول تفسیر کرده است. به درستی روشن است که آنچه شیخ را واداشته است تا از این سه روایت، روایت اول را ترجیح دهد، در درون این سه روایت نیست؛ بلکه قرائتی از بیرون بوده است؛ زیرا از نظر شیخ هر سه صحیح و برابرند و او بر هیچ‌یک از آن سه روایت اشکال سندی یا متنی وارد نکرده است؛ بنابراین چنین می‌نماید که شیخ از قبل به عنوان یک اصل مسلم پذیرفته بوده است که چهار سوره مورد بحث به صورت دو به دو با هم متحد هستند؛ به همین دلیل بوده است که ایشان روایت اول را مقدم داشته است.

درباره آن مرجحی نیز که شیخ بیان داشته است، اطلاع کامل و دقیق نداریم. شاید به استناد همان روایت پیش‌گفته منقول از عیاشی بوده باشد که طبرسی در مجمع نقل کرده است که البته مرسل است؛ اما اگر ما باشیم و تنها همین سه روایت صحیح، هیچ دلیلی نداریم که روایت اول را ترجیح بدهیم.

به علاوه، بر نحوه جمع شیخ نیز ایراد وارد است. شیخ در مقام جمع دلالتی میان روایت اول و سوم، روایت سوم را حمل بر نماز نافله کرده است؛ در حالی که در روایت سوم تعبیر «صلی بنا» آمده است و این دلالت دارد، بر این که نماز به جماعت بوده و روشن است که بر طبق مذهب امامیه نماز نافله را نمی‌توان به جماعت برگزار کرد؛ پس نمی‌توان گفت که امام صادق (ع) در دو رکعت نماز نافله، دو سوره *الضحی* و *الم* شرح را قرائت کرده است (همان).

شیخ این سه روایت را در تهذیب نیز آورده و میان آنها جمع کرده است. به نظر می‌رسد که ترتیب ذکر روایات در تهذیب منطقی‌تر باشد و بر قرائت هر دو سوره در یک رکعت مستدل‌تر دلالت دارد. ایشان می‌نویسند:

این که ابن مسکان از زید شحام آورده است که امام صادق (ع) بر ما نماز گزارد و در حضور ما سوره *ضحی* و *انشراح* را خواند (صلی بنا ابو عبدالله فقرأ بنا بالضحی و الم نشرح)، در این خبر نیامده است که آن حضرت آن دو سوره را در یک رکعت یا دو رکعت خواند و در نظر ما روا نیست که این دو سوره را جز در یک رکعت قرائت کرد و وقتی چنین امری روا نباشد، ما آن را بر این حمل می‌کنیم که آن حضرت آن دو سوره را در یک رکعت قرائت کرده است. این حدیث را ابن ابی عمیر از برخی از اصحاب از زید شحام این‌گونه آورده است که امام صادق (ع) نماز گزارد و در رکعت

اول سوره ضحی و در رکعت دوم سوره انشراح را قرائت کرد (صلی ابو عبدالله (ع) فقرأ فی الاولی والضحی و فی الثانیه الم نشرح لک صدرک).

از این رو، این روایت متضمن این معناست که آن حضرت آن دو سوره را در دو رکعت قرائت کرده است، جز این که در این خبر این معنا نیست که آن حضرت آن دو سوره را در نافله یا فریضه قرائت کرده است و هرگاه این احتمال باشد، ما آن را بر نافله حمل می‌کنیم.

همان طور که ملاحظه می‌شود، در این نقلی که در تهذیب آمده است، به جای تعبیر «صلی بنا»، «صلی» آمده است. شیخ ادامه می‌دهد، دلیلی که باعث شد، ما روایت اول را چنین تاویل کنیم (یعنی حضرت آن دو سوره را در یک رکعت خوانده است)، روایت حسین بن سعید است که از فضاله و او از علا و او از زیدشحام نقل کرده است. در این روایت زیدشحام گفته است: امام صادق (ع) بر ما نماز صبح را گزارد و ضحی و انشراح را در یک رکعت قرائت کرد (صلی بنا ابو عبدالله (ع) الفجر فقرأ والضحی و الم نشرح فی رکعة) (تهذیب، ج ۲، ص ۷۲، ح ۲۶۴). البته اشکال گذشته در این جا نیز بر کلام شیخ وارد است که در ادامه توضیح بیشتری خواهد آمد.

اشکال سومی که بر جمع شیخ وارد است، تعارض آن با روایتی است که قطب راوندی در کتاب الخرائج والجرائع از داود رقی و او از امام صادق (ع) نقل کرده است. به عبارت دیگر این روایت مرجح و مؤید روایت دوم تهذیب و استبصار است، مبنی بر این که این دو سوره حکم سوره واحد ندارند. در این روایت از قول داود رقی آمده است که چون فجر طلوع کرد، امام ایستاد و دو اذان و اقامه گفت و مرا در سمت راست خود ایستاند و در رکعت اول سوره حمد و الضحی و در رکعت دوم، سوره حمد و قل هو الله احد را خواند؛ پس از آن قنوت خواند و سلام داد و نشست (حر عاملی، ج ۶، ص ۵۶، ح ۱۰).

این روایت صریحاً بر جدا بودن سوره الضحی از سوره الم نشرح دلالت دارد؛ زیرا امام صادق (ع) در نماز فریضه صبح پس از سوره الضحی نه تنها سوره الم نشرح را قرائت نکرده است؛ بلکه حتی در رکعت دوم نیز این سوره را نخوانده است.

اشکال چهارم جمع شیخ آن است که سه روایت پیشین حکایت فعل امام است و نه قول امام (ع) و در هیچ یک از آن سه روایت که حکایت فعل امام است، تصریح به وجوب قرائت آن دو سوره در رکعت واحد از نماز فریضه و یا حتی غیر فریضه نشده است و فعل امام (ع) نیز بیش از جواز و اباحه جمع دو سوره الضحی و الم نشرح در یک رکعت دلالتی

ندارد. به فرض آن که - چنان که شیخ گفته است - روایت اول را قبول کنیم و آن را محور حکم قرار دهیم، این روایت بیش از این چیزی به ما نمی‌گوید که جمع میان دو سوره الضحی و الم نشرح در یک رکعت مانعی ندارد؛ اما از کجای این عمل امام صادق (ع) و جوب جمع میان دو سوره فهمیده می‌شود؟

اشاره به این نکته نیز خالی از فایده نیست که ظاهراً بنا به نظر فقهای شیعه قرائت دو سوره بعد از قرائت سوره حمد در نماز واجب کراهت دارد و این نظر مبتنی بر روایاتی است که از ائمه (ع) نقل شده است (همان).

به علاوه فعل امام (ع) - آن چنان که در سه روایت پیشین حکایت شده است - بر جواز قرائت این دو سوره پس از قرائت سوره حمد و عدم کراهت آن دلالت دارد.

از دیگر ادله‌ای که بر وحدت دو سوره فیل و لإیلاف اقامه شده است، سخن شیخ صدوق در کتاب شریف من لایحضره الفقیه است. شیخ حر عاملی در وسائل الشیعه پس از نقل روایتی از من لایحضره الفقیه صدوق درباره قرائت سوره کامل در نماز فریضه می‌نویسد: «هرکه سوره فیل را قرائت کند، باید با آن سوره لإیلاف قریش را هم قرائت نماید؛ چون هر دو با هم یک سوره‌اند» (همان، ج ۶، ص ۵۶ و رک: صدوق، ج ۱، ص ۳۰۶). در این جا صدوق به وحدت دو سوره فیل و قریش تصریح کرده است؛ اما مستندی برای آن ارائه نکرده است و به درستی مشخص نیست، شیخ صدوق بر اساس چه مدرک و مستندی به این نظر قایل شده است. (رک: صدوق، پیشین)

#### ۷. نتیجه

علی‌رغم آن که نظریه اتحاد سوره‌های چهارگانه پیشین به صورت دو به دو طرفداران نسبتاً قابل توجهی دارد، اما هم‌چنان نظر مشهور میان مفسران بر استقلال و تام بودن هریک از آن چهار سوره است. ادله مستقل بودن هریک از آن چهار سوره را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. یک بخش مشتمل است بر نقد و رد و ناتمام بودن دلایل قائلان به اتحاد آن سوره‌ها و بخش دوم دلایلی است که مستقل بودن هریک از آن سوره‌ها را اثبات می‌کند.

ادله‌ای که به آنها استناد شده است، وحدت سوره‌های مورد بحث را ثابت نمی‌کنند و نهایت دلالتی که دارند، این است که می‌توان دو سوره ضحی و انشراح یا فیل و قریش را با هم در یک رکعت از نماز قرائت کرد.

افزون بر نظر مشهور میان مفسران و قاریان، قوی‌ترین دلیل بر استقلال این چهار سوره، تفکیک آنها با بسمله در همه مصاحف و نزد همه قاریان است؛ جز مصحف ابی بن کعب که آن نیز مورد تردید است.

- منابع.....
- ابن ابی‌نباری، ابوالبرکات؛ *البيان في اعراب غريب القرآن*، تحقيق طه عبدالحميد، الهجره، قم، ۱۴۰۳ق  
 ابو الفتوح رازی، حسين بن علی؛ *روض الجنان و روح الجنان*، تصحيح محمدجعفر ياحقی و ديگران، بنياد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، ۱۳۶۷ش
- بحرانی، هاشم؛ *البرهان في تفسير القرآن*، مؤسسة البعثة، قم، ۱۴۱۶ق
- بنی‌هاشمی خمینی (گردآورنده)؛ *توضیح المسائل مراجع*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۷ش
- حزّ عاملی، محمدبن حسن؛ *وسائل الشيعة*، مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، قم، ۱۴۰۹ق
- حوی، ابوالقاسم؛ *منهاج الصالحين*، بی‌نا، قم، ۱۴۱۰ق
- سبزواری، محمد؛ *الجديد في تفسير القرآن المجيد*، دارالتعارف للمطبوعات، بيروت، ۱۴۰۲ق
- شبر، سيد عبدالله؛ *الجواهر الثمين*، مكتبة الالفين، كويت، ۱۴۰۷ق
- صدوق، محمدبن علی؛ *من لا يحضره الفقيه*، ج ۲، انتشارات جامعه مدرسین، قم، بی‌تا
- طبرسی، امين الاسلام؛ *مجمع البيان*، دارالمعرفة، بيروت، ۱۴۰۶ق
- طوسی، محمد بن حسن؛ *الاستبصار*، تهران، دار الكتب الإسلامية، ۱۳۹۰ق
- طوسی، محمد بن حسن؛ *التيبان في تفسير القرآن*، دار احياء التراث العربي، بيروت، بی‌تا
- طوسی، محمد بن حسن؛ *تهذيب الاحكام*، تصحيح علی اکبر غفاری، مكتبة الصدوق، تهران، ۱۴۱۷ق
- فخررازی؛ *التفسير الكبير*، دار احياء التراث العربي، بيروت، ۱۴۱۵ق
- فيض کاشانی، ملامحسن؛ *الصفی في تفسير القرآن*، بی‌جا، دار المرتضى، مشهد، بی‌تا
- قرطبی؛ *الجامع لأحكام القرآن*، دار مكتبة العلمية، بيروت، ۱۴۱۷ق
- کاشانی، ملافتح الله؛ *تفسير منهج الصادقين*، انتشارات علمیه اسلامی، تهران، بی‌تا
- کلینی، محمدبن یعقوب؛ *الكافي*، دارالأضواء، بيروت، ۱۴۰۵ق
- مغنیه، محمدجواد؛ *التفسير الكاشف*، ج ۲، دار العلم للملایین، بيروت، ۱۹۸۱م
- مکی‌بن‌ابی‌طالب، مشکل اعراب القرآن، تحقیق حاتم ضامن، مؤسسة الرسالة، بيروت، ۱۴۰۷ق
- ملکی میانجی، محمدباقر؛ *مناهج البيان في تفسير القرآن*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۴ش
- یزدی، سيد محمدکاظم؛ *عروة الوثقى*، المكتبة العلمية الإسلامية